



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره‌مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: روش تفسیری باطنی و عرفانی

سال: چهارم

تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۳۹۳

مصادف با: ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶

جلسه: ۱۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

روش تفسیری باطنی

مقدمه

یکی از روش‌های تفسیری که تاریخچه نسبتاً طولانی هم دارد روش تفسیری باطنی است، البته این روش به نامهای دیگری هم معرفی شده است؛ مثلاً روش تفسیری رمزی، اشاری، عرفانی و امثال آن از نامهای دیگری است که می‌توان برای این روش تفسیری برشمرد.

ریشه این روش تفسیری هم در واقع یک روایتی از امام صادق (ع) است که حضرت (ع) فرموده است: «کتاب الله عزوجل علی أربعة أشياء: علی العبارة و الاشارة و اللطیف و الحقیق. فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطائف للأولیاء و الحقیق للأنبیاء»؛ کتاب خدا بر چهار چیز استوار شده است؛ عبارات [الفاظ ظاهری قرآن که هر کدام معنایی ظاهری و عرفی دارد]، اشارات [مطالبی که با اشاره آیات فهمیده می‌شود، یعنی معنای ظاهری عبارت نیست اما با دقت می‌توان اشارات عبارات را به آن معانی استفاده کرد]، لطایف، حقایق. عبارات قرآن برای عوام است، اشارات برای خواص است، لطایف برای اولیاء الله است و حقایق قرآن برای انبیاء الهی است.

علت اینکه می‌گوییم ریشه روش تفسیری باطنی روایاتی مثل روایت فوق است این است که در بین پیروان اهل بیت (ع) و غیر آنها از سایر فرق مسلمین این مطلب تلقی به قبول شده که قرآن، ورای معنای ظاهری، مطالب دیگری را نیز در بر دارد، به غیر از روایت فوق روایات دیگری هم مبنی بر اینکه قرآن ظاهری دارد و باطنی و باطن قرآن هم بواطنی دارد، وجود دارد.

در بین مسلمین نیز این مطلب که قرآن غیر از آنچه که ما از معنای الفاظ می‌فهمیم مشتمل بر ظرایف و لطایفی نیز می‌باشد، پذیرفته شده و شاید مشهورتر از روایت فوق، روایتی است که پیامبر (ص) فرموده و سایر اهل بیت (ع) نیز به آن اشاره کرده‌اند، مبنی بر اینکه قرآن ظاهری دارد و باطنی. به هر حال مسائل مذکور باعث شده تا راه کشف آن اشارات، رموز و باطن قرآن مورد توجه قرار گیرد. البته در بین متفکرین اسلامی بیشتر، افرادی که به عرفان و تصوّف تمایل داشته‌اند به روش تفسیری باطنی روی آورده‌اند، چون این افراد به ظواهر شریعت اکتفاء نمی‌کردند و تمایل داشتند که به بواطن آیات قرآن دست یابند.

بر همین اساس اگر بخواهیم ریشه پیدایش روش تفسیری باطنی را به یک زمان خاصی برگردانیم، چه بسا به زمان خود اهل بیت (ع) بازگردد. البته ائمه (ع) هم صراحتاً و هم عملاً [هم در بیان و هم در مقام عمل] معلوم کرده‌اند که این راه، راهی نیست

که هر کسی بتواند در آن وارد شود و خود اهل بیت (ع) هم گاهی از این اشارات و رموز پرده برمی‌داشتند در بین خواص از اصحاب و کسانی که ظرفیت درک رموز و اشارات را داشتند این کار را انجام می‌دادند.

ملتزمین به روش تفسیری باطنی، اختلاف نظر دارند؛ بعضی روشی به جز روش تفسیری باطنی را برای تفسیر قرآن قبول ندارند، بعضی دیگر علاوه بر روش‌های تفسیری دیگر، روش تفسیری باطنی را نیز لازم می‌دانند در حالی که روش تفسیری نقلی و اجتهادی را نیز منکر نیستند لکن ما فعلاً به این اختلافات نمی‌پردازیم و قصد داریم با قطع نظر از اینکه آیا روش تفسیری باطنی متعین است یا نه و با قطع نظر از اینکه آیا قائلین به این روش تفسیری، فقط این روش را قبول دارند یا روش‌های دیگر را نیز قبول دارند به بحث از روش تفسیری باطنی بپردازیم که این روش تفسیری چیست؟ در رابطه با این روش تفسیری چه دیدگاه‌هایی وجود دارد؟ ادله موافقین و مخالفین با این روش تفسیری چیست؟ پس قصد ما از مطرح کردن روش تفسیری باطنی این است که اولاً: این روش تفسیری را بشناسیم و تبیین کنیم، ثانیاً: ببینیم مقتضای تحقیق در روش تفسیری باطنی چیست؟

به هر حال آغاز روش تفسیری باطنی به قرن دوم و سوم برمی‌گردد، آن گونه که علامه طباطبایی (ره) نیز به این مسأله اشاره کرده است.^۱

دو دیدگاه پیرامون روش تفسیری باطنی

الف - تفسیر قرآن صرفاً بر اساس کشف و شهود شخصی

عمده این است که دیدگاه‌های مختلفی که پیرامون روش تفسیری باطنی وجود دارد را اجمالاً مرور کنیم، آنچه در این مقام می‌توان ذکر کرد این است که به طور کلی یک روش تفسیری باطنی صحیح وجود دارد و یک روش تفسیری باطنی غیر صحیح. برای اینکه این مطلب روش شود باید مبنا و مبادی این روش تفسیری (روش تفسیری باطنی) را معلوم کنیم، عمده تکیه‌گاه روش تفسیری باطنی، کشف، شهود و امثال اینهاست، به این معنی که مفسر صرفاً بر اساس کشف و شهود شخصی یک آیه‌ای را معنا کند، پس یک دیدگاه درباره روش تفسیری باطنی این است که این روش، روشی است که آیات قرآن، صرفاً بر اساس کشف و شهود باطنی شخصی، معنا می‌شوند یعنی نه متکی به نقل است و نه متکی به عقل و اجتهاد بلکه صرفاً با استناد به شهود باطنی و کشف، معنایی از یک آیه استفاده می‌شود که ممکن است در عالم رؤیا یا مکاشفه برای شخص معلوم شود که فلان آیه فلان معنا را دارد و چون آن معانی‌ای که از راه کشف و شهود بدست می‌آید با ظاهر آیه سازگار نیست لذا ممکن است تأویل آیه باشد، البته بین تأویل و تفسیر باطنی فرق است که به آن اشاره خواهیم کرد چون ممکن است کسی آیه‌ای را تأویل ببرد ولی تفسیر باطنی که در صدد تبیین رموز و اشارات آیات قرآن است با تأویل متفاوت است.

در کشف معانی آیات از راه کشف و شهود فرض این است که قواعد استنباط و تفسیر ظاهر آیه رعایت نمی‌شود، مثلاً اگر شما بخواهید آیه‌ای را تفسیر کنید طبیعتاً در تفسیر آن آیه اگر عام باشد یا مطلق باشد یا اینکه مقید یا مخصّصی متصلاً یا منفصلاً در کنار آن آیه آمده باشد قهراً در معنا کردن آن آیه همه اینها لحاظ می‌شود ظاهر کلام اعم از مفردات و جمله، اخذ می‌شود و بر اساس همان قواعدی که در محاورات وجود دارد آیه معنا می‌شود. فرض ما این است که مفسر در روش تفسیری باطنی پا را از

۱. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵.

این قواعد فراتر می‌نهد و به این قواعد اهمیتی نمی‌دهد. حال سؤال این است که آیا این روش تفسیری که شخص صرفاً بر اساس کشف و شهود شخصی و بدون ملاحظه قواعد استنباط و تفسیر بخواهد اشاراتی را از یک آیه قرآن بدست آورد درست است؟

ب- تفسیر قرآن بر اساس کشف و شهود و رعایت ضوابط و قوانین تفسیری

یک نحوه دیگر از روش تفسیری باطنی این است که شخص با ملاحظه قواعد ظاهری تفسیر به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد، یعنی تفسیر ظاهری آیه مدّ نظرش است و قواعد و ضوابطی که می‌تواند او را به تبیین معانی باطنی آیات کمک کند در نظر می‌گیرد، نقل و عقل و اجتهاد در این روش، مورد غفلت نیست و این گونه نیست که بدون دلیل و صرفاً بر اساس شهود قلبی و کشف شخصی، آیه‌ای را معنی کند بلکه در کنار شهود و کشف شخصی، قواعد و ضوابط مورد نیاز تفسیر را هم لحاظ می‌کند و ظاهر قرآن را نیز اخذ می‌کند و معتقد است این ظاهر به قوت خودش باقی است ولی علاوه بر آن ظاهر، معانی کشف شده از راه شهود و کشف شخصی هم از آیات قرآن استفاده می‌شود.

خلاصه: تفسیر باطنی با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که درباره آن وجود دارد معنای متفاوتی دارد و مقصود قائلین به تفسیر باطنی یک چیز نیست بلکه عده‌ای مثل صوفیه معتقدند تفسیر باطنی، تفسیری است که صرفاً بر اساس شهود قلبی و کشف شخصی حاصل می‌شود و عقل و نقل هیچ تأثیری در آن ندارند، در مقابل این گروه، عده‌ای دیگر معتقدند که تفسیر باطنی صرفاً بر اساس کشف و شهود نیست بلکه در کنار این کشف و شهود، معنای ظاهری آیات به قوت خودش باقی است و قواعد و ضوابط مورد نیاز تفسیر هم اخذ می‌شود و نقش عقل و نقل هم در این روش تفسیری نادیده گرفته نمی‌شود به گونه‌ای که هیچ منافاتی با کشف و شهود و آنچه ظاهر آیه می‌گوید، وجود ندارد و همین نکته [حفظ معنای ظاهری و رعایت قوانین و ضوابط تفسیری] فارق بین تأویل و تفسیر باطنی محسوب می‌شود.

سؤال: چه بسا کشف و شهودی که برای شخص حاصل می‌شود مطابق با واقع نباشد، لذا چون احتمال عدم مطابقت با واقع در کشف و شهود وجود دارد نمی‌توان گفت که این روش تفسیری معتبر است.

استاد: مطابقت و عدم مطابقت با واقع یک مسأله است و اعتبار روش تفسیری مورد نظر بحثی دیگر است، ما در اعتبار هیچ یک از روش‌های تفسیری که تا کنون مورد بحث قرار دادیم نگفتیم که مثلاً این روش تفسیری چون مطابق با واقع است، معتبر است بلکه همه سخن در روش‌های تفسیری صرفاً در حجیت و اعتبار آنهاست که حجیت و اعتبار روش‌های تفسیری مطرح شده بستگی به عواملی دارد که اگر آن عوامل باشد، آن روش تفسیری حجت است و اگر نباشد، حجت نیست بنابراین، حجیت و عدم حجیت روش تفسیری ربطی به مطابقت یا عدم مطابقت آن با واقع ندارد.

«والحمد لله رب العالمین»